



جوان: چند روز پیش رویترز خبر تشکیل ناتوی عربی را بر مقابله با ایران را اعلام کرد. جالب اینکه حدود یک ماه قبل از خبر رویترز، دو کشور عربی منطقه خبر ائتلاف سازی به دستور امریکایی را به ایران داده و البته تأکید کرده بودند که هیچ گاه در سطح نظامی اقدامی علیه جمهوری اسلامی ایران نخواهند کرد ولی در شرایط فعلی چاره‌ای جز پیوستن به این ائتلاف‌ها را نخواهند داشت. برای پاسخ به این سؤال که وجود چه ظرفیت‌ها و ویژگی‌هایی در مجموعه این کشورها، آنان را مستعد تشکیل ناتوی جدید می‌کند، می‌توان موارد زیر را مورد توجه و اشاره قرار داد:

۱- این طرح بر دوش کشورهای گذشته شده که دارای شکاف‌ها و اختلافاتی راهبردی و تاریخی بوده و یا برخی از آن‌ها در شرایط بحرانی قرار دارند که خود محتاج کمک دیگران برای ادامه حیات می‌باشند. قطر نه تنها سابقه اختلافات تاریخی با عربستان و حتی درگیری نظامی بر سر مرزها دارد، بلکه در شرایط فعلی عربستان و امارات این کشور را تهدید و محاصره کرده است. کشورهای، چون بحرین و اردن در وضعیتی بحرانی به سر می‌برند که تنها با دلارهای نفتی دوستان عربی خود سرپا ننگه داشته شده است. دولت‌هایی مثل کویت و عمان با تجربه استبداد و زیاده طلبی صدام نگران قدرت یابی بن سلمان هستند و شرایط لرزان مصر و حکومت کودتا در این کشور نیز مستلزم توجه بیشتر السیسی به داخل است.

۲- ناتوی عربی را باید در پیوند با نگاه کاسبکارانه ترامپ یک ائتلاف دلاری- دستوری به حساب آورد که بر اساس سیاست دوشیدن گاوهای شیری دنبال می‌شود و تنها می‌تواند این کشورها را در تأمین هزینه‌های نقض برجام شریک سازد.

معیشت مردم را به گروگان گرفته‌اند!

کیهان: معیشت و اقتصاد نقش تعیین کننده‌ای دارد تا آنجا که همه دشمنان کینه توز از این اهرم برای مقابله با حریف بهره می‌گیرند و حتی یکی از فرماندهان داعش می‌گفت، وقتی روستا یا مثلا شهری را اشغال می‌کردند، اولین کاری که برای مهار و کنترل مردم می‌شد، تسلط بر آذوقه و معیشت ساکنان آن منطقه بود چرا که به گفته او، تسلط بر معیشت مردم یعنی تسلط بر افکار و رفتار مردم! یعنی تسلط بر همه چیز! این نگاه شیطنی در اندازه‌ای بزرگ‌تر از سوی بسیاری از قدرت‌ها مثل آمریکا هم دنبال می‌شود. هدف از تحریم‌های اقتصادی مگر چیزی غیر از به گروگان گرفتن معیشت مردم است!؟

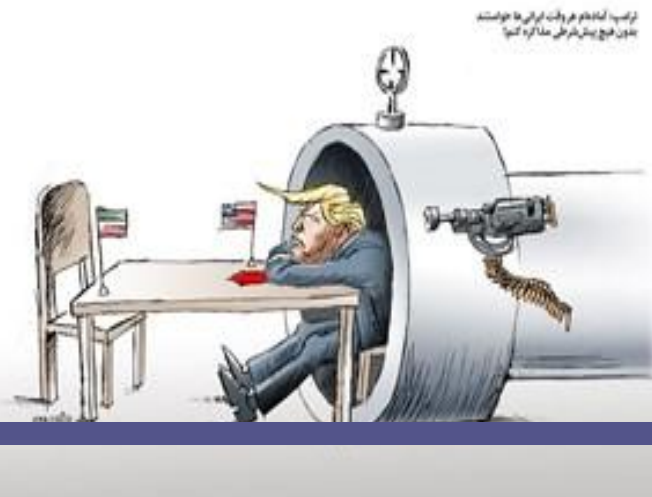
امروز اما قیمت ارز و سکه و تورم با روان مردم بازی می‌کند. اینکه چه کسی دلار را در کسری از ثانیه می‌کند ۱۰ هزار و ۲۴۱ تومان! و اینکه این قیمت در همان لحظه چرا نمی‌شود مثلا ۱۰ هزار و ۲۵۳ تومان مسئله را مشکوک‌تر می‌کند. این یعنی، قیمت‌ها از یک مرجع یا مرکز تعیین می‌شود. شناسایی و یافتن این مرکز نیز کار وزارت محترم اطلاعات است. اینکه چرا آقای روحانی در این باره سکوت کرده و کاری نمی‌کند برای مردم مبهم است. آنها این روزها با همان ژست «منطقی باشیم»، «باید واقعیت‌ها را درک کرد» آدرس مذاکره با ترامپ را می‌دهند! می‌گویند، اگر آن انفعال در حل مشکلات اقتصادی را کنار این بالا و پایین شدن‌های مشکوک قیمت ارز و سکه بگذاریم، نتیجه این می‌شود که در این کشور عده‌ای به عمد در حال بازی با معیشت مردمند. این عده نمی‌توانند به نوسانات ارزی دامن بزنند مگر به برخی مراکز حساس دسترسی داشته یا به مسئولین محترم آدرس غلط داده باشند. ترامپ در کتاب «هنر معامله» می‌گوید، در مذاکرات باید اول به حریف ضربه زد بعد کنترل مذاکره را به دست گرفت. مخاطب جمله پایانی این وجیزه آن جریان خاص است که آگاهانه می‌گوید باید با ترامپ وارد مذاکره شد. ترامپ در مواجهه با ایران در حال استفاده از همین تاکتیک است. مذاکره با ترامپ ما را به همان نقطه‌ای می‌رساند که مذاکره با اوباما ما را به آن نقطه رساند با این تفاوت که این بار تمام مولفه‌های قدرتمان را یکجا بر سر مشتی وعده از دست داده و تبدیل به لقمه‌ای راحت برای دشمن خواهیم شد.

موافقت ایران و بلاروس برای تهاجر نفت با ماشین آلات صنعتی

تسنیم: (محمد سعیدی کیا): باید سدها را در صادرات بشکنیم و برای این کار ضرورت دارد سفرای ایران همکاری کنند. وی با بیان این که همراهی سفرا باعث حضور بیشتر بنیاد در کشورهای دیگر می شود، افزود: در ایران آیین نامه مقررات، آدم ها، قوانین و... وارداتی است که باید این مشکلات برطرف شود، در پروژه های آزادراهی نیازمند منابع مالی هستیم که در این زمینه با شرکت های خارجی در حال مذاکره هستیم. وی با بیان این که فعلا در حال مذاکره با شرقی ها از جمله چینی ها هستیم، افزود: بنیاد مستضعفان در خدمات مربوط به ساخت پالایشگاه توانمند است از این رو آمادگی کامل را داریم تا در بخش نفت و گاز کشورهای دیگر حضور داشته باشیم. سفیر ایران در بلاروس نیز در این نشست از موافقت این کشور و مقامات ایران برای تهاجر نفت با ماشین آلات صنعتی خبر داد.

فرصتی برای انتقام جویی

جمهوری اسلامی: آنچه در این میان تعجب آور است، گرایش نیرومند صداوسیما به سمت وسوی تبلیغات منفی علیه دولت است که به بهانه شفاف سازی، چندصدایی، انعکاس افکار و دیدگاه های جامعه ولی به شدت یک طرفه و علیه دولت مستقر است که این روزها ابعاد تازه ای به خود گرفته و به ابزاری علیه نظام تبدیل شده است. به کاربردن الفاظ، کلمات و تحلیل های مایوس کننده از تریبون صداوسیما که قرار بود «رسانه ملی» باشد، با اهداف و مأموریت های این رسانه عمومی به شدت مغایرت دارد و در بسیاری موارد، نقض غرض است. جای تعجب است که چرا صداوسیما در دوره دولت های نهم و دهم نقش گزارشگر ویژه دولت را ایفا می کرد، ولی امروزه دقیقا برعکس، نقش اپوزیسیون را ایفا می کند و به جنگ روانی علیه دولت دامن می زند... ترامپ با زبان تهدید و تغییر رژیم حرف می زند... به ویژه در شرایط فعلی که قبل از شروع تحریم های آمریکا، ارزش پول ملی ایران به طرز غیرقابل تصویری سقوط کرده و هر نوع مذاکره احتمالی به معنی اوج ضعف ایران تلقی خواهد شد. مذاکره باید از موضع اقتدار و عزت باشد و نه ضعف و درماندگی. مذاکره با آمریکا از اختیارات مقام معظم رهبری! است و تازمانی که معظم له مخالف هستند، مذاکره معنی ندارد و نباید جنجال داخلی در این مورد درست کرد.



عدم برخورد با آقازاده‌ها خطرناک است

اعتماد: موضوع آقازاده‌ها یک موضوع جدی و اساسی است و متأسفانه از آنجا که ما هیچ وقت تمرکز جدی و ویژه بر موضوعاتی از این دست نداشته و نداریم، این موضوعات آن قدر استمرار پیدا می‌کند تا منجر به خلق یک وضعیت بحرانی شود. در واقع شرایطی که اکنون شاهد آن هستیم، استمرار مناسباتی است که در آن نسبت به نابرابری‌های غیرموجه، حساسیت و دقت کافی وجود ندارد. این عدم دقت هم درباره جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که منشأ این نابرابری‌های ناموجه می‌شود وجود دارد و هم درباره پیامدهای این اتفاق. اگر به کشورهای توسعه‌یافته دقت کنید، عموماً شاهد بحث‌های مبسوطی درباره پیامد روند فزاینده نابرابری‌های غیرموجه خواهید بود. در این بحث‌ها گفته می‌شود وقتی نابرابری‌های غیرموجه از یک حدودی فراتر می‌رود، الگوی مسلط مناسبات اجتماعی به جای آنکه الگوی همکاری، تقسیم کار عقلایی و تخصصی شدن امور باشد، به سمت الگوی ستیز میل کرده و افراد به جای آنکه با یکدیگر همکاری کرده یا برای ارتقا به کمک هم بشتابند یا برای دستاوردهای بهتر بسترسازی کنند به سمت حذف یکدیگر، برخوردهای خشونت‌آمیز و موضوعاتی از این قبیل کشیده می‌شوند.

در زمین شیطان

می‌گویند ترس برادر مرگ است و شیطان هم دقیقاً یکی از راه کارهایش برای تسلط بر انسان، همین ترس است. «تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است. از سوی دیگر وعده می‌دهد شیطان، وعده‌های فریبنده... وعده می‌دهد، آرزوها را در دل آنها بیدار می‌کند، زنده می‌کند، یک آینده‌ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنین به خود می‌گذارد... اما فریب است... مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرت‌های استکباری همیشه [دارند]...» (۱۶/۰۴/۱۳۹۳) متأسفانه آنکه «در داخل کشور ما مجموعه‌های سیاسی‌ای هستند که تحلیلشان این است؛ می‌گویند وقتی که طرف خیلی چهره‌ی سگی از خودش نشان می‌دهد، شما عقب بنشینید! خوب، شما این را قبول دارید؟ عقب بنشینیم؟ یا نه؛ معتقدید که هرگونه عقب‌نشینی، طرف را تشجیع می‌کند. بمجردی که دیدند شما با اخم می‌ترسید، می‌گویند آقا اخم کنید؛ علاج این آدم اخم است. بمجردی که دیدند تهدید به کتک یا خود کتک، شما را به عقب‌نشینی وادار می‌کنند، می‌گویند دو تا بیشتر بزن تا خوب از همه‌ی حرف‌هایش دست بردارد. طرف، اینجوری است. محاسبات دنیا این است.» (۳۱/۰۵/۱۳۸۹)

چماق، هویج و درهای جهنم

صبح نو: در دو ماهه اخیر که آمریکا از برجام خارج شد و بیانیه‌های آتشین علیه ایران صادر کرد، چندباری هم گفت که منتظر است از تهران با او تماس گرفته شود؛ رویای تمام روسای جمهوری آمریکا در چهار دهه گذشته که تاکنون جامه عمل به خود نپوشیده. حالا ترامپ بعد از بلندکردن چماقش، هویج را بیرون آورده و جریان ذوق‌زده داخلی که به تعبیر پمپئو، خود را غرب‌گرا می‌داند، به استقبال از درخواست مذاکره بدون شرط ترامپ رفته است. به چه خیالی؟ نکته قابل توجه اینکه این دوستان داخلی هفته پیش سخنان محکم رییس جمهوری ایران را دلیل افزایش نرخ دلار و سکه می‌دانستند و امروز نمی‌توانند توضیح دهند که وعده ظاهراً مسالمت‌جویانه آمریکا، چرا نرخ‌ها را کاهش نداد؟ آیا جز این است که اتفاقی که در اقتصاد ایران می‌افتد، دستکاری مکرر خارجی و عمال آن با هدف راندن کشور از چاله برجام به پرتگاه دیگری است و ناکارآمدی یا ناتوانی و در شقوق بدبینانه همراهی بخش‌هایی از دولت - که شتابزدگی‌شان در برابر ترامپ نشانه‌ای از آن است - این فرایند را تسهیل و هموار می‌کند؟ نه خروج آمریکا از برجام، بازشدن درهای جهنم بود و نه وعده مذاکره او، ورود به بهشت. این پندار غیرمدبرانه برخی با وجود خسارت‌های سنگین سالیان اخیر را چگونه می‌بایست ترمیم کرد؟